



Study on the Extent of Turandot 's Story

Yiyun Tang*

*Master of comparative literature, Assistant Professor, Department of Persian Language, Guangdong University of Foreign Studies, Guangzhou, China

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
09/01/2024

Accepted:
02/06/2024

"The stories of Turandot" and "The stories of Chinese Princess" originate from Persian folk literature. Regarding the source of the original Persian text, some believe that these stories originated from the story of *Haft Peykar* of Nizami. But in the book of *Javame'al-Hekayat* of Muhammad Afi and other folk stories, there are other evidences. The Persian source texts of Turandot can be referred to the Rumi princess story of Afi, the story of the Russian princess from Nizami's *Haft Peykar*, the story of Khursheed Shah and the Chinese princess Mahpari in *Samak Ayyar*. Its probable development path is also multidimensional. These stories has traveled in Iran, Turkey and European lands and have been changed several times to form the Three Riddles of Turandot in *One Thousand and One Days* by the French writer Francois Petis de laCroix. It is possible to classify the source texts of the Persian Turandot stories into adventurous, enigmatic and philosophical stories. This research was done with a descriptive-analytical method. In order to make the contents coherent, firstly, the views of prominent scholars of Persian literature in China and Europe have been expressed in the context of the story of Princess of China. Then, the origin of Princess of China is discussed from the sources and at the end, the stage of development of this story is presented.

Key words: Path of expansion, Turandot, Persian folk literature, Chinese Princess, Source text, Iranian Stories

Cite this article: Tang., Yiy..(2023). Study on the Extent of Turandot 's Story. *Interdisciplinary research in persian Language and literature* , , Vol. 2, New Series, No.2, Autumn and Winter2023: pages :105-123.

DOI: 10.30479/irpli.2024.19803.1125



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

* **Corresponding Author:** Yiyun Tang

Address: Master of comparative literature, Assistant Professor, Department of Persian Language, Guangdong University of Foreign Studies, Guangzhou, China.



بررسی چگونگی گسترش داستان‌های توراندخت

ابی ایون تانگ*

۱. استادیار گروه زبان فارسی دانشگاه مطالعات خارجی گوانگدونگ، گوانگجو، چین.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

داستان‌های توراندخت و شاهدخت چینی، از ادبیات عامیانه فارسی سرچشمه گرفته است. در زمینه سرچشمه متن اصلی فارسی، برخی بر این باورند که توراندخت ریشه در داستان هفت پیکر نظامی دارد؛ اما در جوامع الحکایات و لوامع الروایات محمد عوفی و داستان‌های عامیانه دیگری هم این بن مایه‌ها وجود دارد. می‌توان بن مایه‌های فارسی توراندخت را در داستان شاهدخت رومی از کتاب عوفی، داستان شاهدخت روسی از هفت پیکر نظامی، داستان خورشیدشاه و شاهدخت چینی مه پری در سمک عیار و داستان عامیانه دیگری (که نویسنده آن مشخص نیست) مشاهده کرد. مسیر گسترش احتمالی آن هم موضوع پیچیده‌ای است. این داستان‌ها از ایران به ترکیه و سرزمین‌های اروپایی سفر کرده و چندین بار دستخوش تغییر شده است تا «سه معمای توراندخت» در کتاب فرانسوی هزارویک‌روز از دلاکروا را شکل دهد. می‌توان بن مایه‌های داستان توراندخت ایرانی را ذیل داستان‌های ماجراجویانه، معمایی و فلسفی طبقه‌بندی کرد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و نخست نظریات دانشمندان برجسته ادبیات فارسی در چین و اروپا در زمینه داستان‌های شاهدخت چین بیان شده است. سپس ریشه‌های آن جستجو شده و در پایان، فرایند گسترش آن نشان داده شده است.

کلمات کلیدی: توراندخت، ادبیات عامیانه فارسی، شاهدخت چینی، بن‌مایه‌ها، داستان‌های ایرانی.

استناد: تانگ، ابی ایون. (۱۴۰۲). بررسی چگونگی گسترش داستان‌های توراندخت، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، دوره جدید، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲: ۱۰۵-۱۲۳.



DOI: 10.30479/irpli.2024.19803.1125

حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

داستان‌های *توراندخت* Turandot به داستان‌هایی اشاره دارد که به‌طور گسترده از قرن ۱۸ میلادی در میان مردم اروپایی رواج یافته و بر اساس چهارچوب «پیروشدن مرد بر زن شکست‌ناپذیر چینی» نگارش یافته است. سال‌ها است که از این داستان‌ها بازنویسی می‌شود؛ و نمونه اولیه آن، همواره به‌شدت بحث‌برانگیز بوده و تا به امروز از محبوبیت آن کاسته نشده است؛

اولین روایت *توراندخت* قصه‌ای است با عنوان «سه معمای توراندخت» در کتاب فرانسوی *هزارویک‌روز آمده است*، که خلاصه آن در زیر می‌آید:

توراندخت، که در داستان *شاهزاده چین* است و از مردان متنفر است و حاضر نیست از میان خواستگاران زیاد خود شوهری انتخاب کند، سرانجام سه معما برای خواستگاران نقل کرده و قرار می‌گذارد که اگر کسی بتواند جواب معماها را بدهد با او ازدواج خواهد کرد؛ وگرنه آن خواستگار را می‌کشد. شاهزادگان و امیرزادگان زیادی از نقاط مختلف می‌آیند، ولی هیچ‌کدام نمی‌توانند جوابی پیدا کنند و کشته می‌شوند؛ تا اینکه امیرزاده خلف هر سه معما را پاسخ می‌دهد. *توراندخت* می‌خواهد خلاف عهد خود ازدواج نکند. ولی پدرش مخالفت می‌کند. امیرزاده شرط می‌گذارد که اگر *توراندخت* بتواند نام واقعی امیرزاده را بگوید، از حق خود صرف‌نظر و چین را ترک می‌کند. *توراندخت* در آخر نامش را می‌داند ولی هم‌زمان عاشق امیرزاده خلف می‌شود و با او ازدواج می‌کند (Pétis de La Croix, 1981:136-175).

قهرمان داستان‌های *توراندخت*، «شاهدخت چینی» است؛ و چهارچوب داستان‌های *توراندخت* در ادبیات فارسی ریشه دارد که قهرمانان بن‌مایه آن‌ها هم *شاهدخت چینی* هستند؛ بنابراین *توراندخت* در ادبیات فارسی به *شاهدخت چینی* اشاره دارد. با این حساب، ردیابی داستان‌های *توراندخت* همانا ردیابی داستان‌های *شاهدخت چینی* است. داستان‌های *شاهدخت چینی* به داستان‌هایی اشاره دارد که در قرن دوازدهم میلادی در ادبیات فارسی ظاهر شدند؛ این داستان‌ها مبتنی بر رخداد خواستگاری شاهزاده ایرانی از *شاهدخت چینی* است.

بن‌مایه این داستان‌ها، نشان‌دهنده نوعی تخیل ادبی ایرانی‌ها و اروپایی‌ها درباره زنان رازآلود شرقی است. درباره این بن‌مایه‌ها *Source text*، ما از تعریف یو یوسن پیروی می‌کنیم: این بن‌مایه‌ها دارای دو محور کلیدی هستند: «اول عاشق شدن به‌واسطه تصویر معشوق چینی. دوم اینکه دختر از خواستگار، مبارزه یا آزمونی را طلب می‌کند. تمام داستان‌های فارسی که دارای این دو محور هستند، داستان‌های *شاهدخت چینی* به حساب می‌آیند» (Yu, 2015:102-103). همه قهرمانان داستان‌های *توراندخت*، چینی نیستند؛ بلکه رومی یا روسی هستند؛ این داستان‌ها هم شامل این دو محور کلیدی هستند و تعدادشان هم کم است؛ بنابراین این داستان‌های رومی و روسی هم داستان‌های *توراندخت* به حساب می‌آیند.

در ادبیات فارسی از قرون وسطی، افسانه‌های زیادی درباره شاهدخت‌ها یا زیبارویان چینی وجود داشته است که حکایت از تعقیب شاهدخت‌های چینی توسط شاهزادگان ایرانی دارد. این نوع داستان‌ها باتوجه به رویکردهای توصیفی از زیبارویان چینی در ادبیات فارسی رواج زیادی پیدا کرده و شاهدخت‌های چینی بسیار زیبا توصیف می‌شوند. مثلاً در شاهنامه فردوسی (۱۰۲۰-۹۴۰ م.) می‌خوانیم که انوشیروان، پادشاه ساسانی، ارتش فغفور چینی را شکست داد. فغفور چین خواهان صلح شد و دخترش را برای ازدواج به او پیشنهاد کرد. شاهدخت چینی به قدری زیبا بود که انوشیروان، وی را با یک نگاه از میان زیبارویان فراوان تشخیص داد.

بن‌مایه داستان‌های توراندخت ریشه در منطقه پارس دارد، اما در متون ادبی فارسی، رد پای کمی از آن وجود دارد. با بررسی‌های بیشتر و پس از ردیابی آن در متون فارسی متوجه می‌شویم که به‌غیر از هفت پیکر نظامی (حدود ۱۱۴۱-۱۲۰۹ م.)، نمونه‌های دیگری هم وجود دارد که در ادامه این پژوهش به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. پیشینه پژوهش

از حیث جنسیت Gender Theory، توراندخت در تئاتر غربی به تصویری کلاسیک در صحنه جهانی تبدیل و از دیرباز نوشته و بازنوشته شده است و نمونه‌ای از ادبیات مردسالارانه محسوب می‌شود. لینگ جیانته معتقد است: «پایان داستان‌های توراندخت مانند افسانه‌ای است که نشانه دیگری از قدرت پدرسالارانه است و می‌کوشد نظم نمادین خود را با قدرت مرد کامل خیالی تنظیم کند» (Ling, 2005:44).

پژوهشگرانی که از دیدگاه پسااستعماری Post-colonialism این موضوع را مطالعه کرده‌اند، معتقدند که داستان‌های توراندخت داستان‌های شرق‌شناسانه Orientalism است که به دست غربی‌ها شکل گرفته است (همان). چین در این داستان‌ها، در واقع سرزمینی خیالی است؛ اما اکنون به دلیل اشتباه‌خوانی درباره تصویر چین در داستان‌های توراندخت، خوانندگان چینی، توراندخت را شخصیت بدی می‌دانند؛ و همچنین چین را بد می‌انگارند. در واقع باید این تخیل را منطقی‌تر بنگریم. اگر به داستان‌های مربوط در ادبیات فارسی برگردیم، متوجه می‌شویم که قدیمی‌ترین نسخه داستان‌های شاهدخت چینی در فارسی، درباره چین بدگویی نکرده است؛ بلکه تازگی و ناشناخته‌بودن آن را توصیف می‌کند و گاهی محل وقوع داستان‌ها حتی سرزمین چین نبوده است؛ به عبارت دیگر، چین به عنوان یک کشور خارجی، گاهی منطقه‌ای حاشیه‌ای از کشور ایران، گاهی کشور خارجی خطرناک و گاهی کشوری دوردست و مبهم توصیف شده است.

محققان از دیدگاه روان‌شناسی، ایدئولوژیک Ideology و نیز سیاسی نمایش‌نامه‌های توراندخت غربی را بررسی کرده‌اند. اوروانو Orvano با استفاده از رویکرد روانکاوی Psychoanalysis به ساختار روانی

ناخودآگاه نمایش‌نامه‌توراندخت اشاره می‌کند و معتقد است که نشانه‌های ضدانسانی این شخصیت، حاکی از این است که او مرحله ادیپ Oedipus را پشت سر نگذاشته است (Zhang, 2002: 56).^۱

لیو می (Liu, 2007: 1) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به تحلیل رابطه نزدیک بین اقتباس نمایش-نامه‌نویسان غربی همچون ایسوزو شیلر (۱۸۰۵-۱۷۵۹ م.)^۲ و یوهان ولفگانگ فون گوته (۱۷۲۰-۱۸۰۶ م.)^۳ و اندیشه‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها پرداخته است. بارکین (Balkin, 1990: 299) با تحلیل نمایش‌نامه‌توراندخت اپرانویس ایتالیا جاکومو پوچینی (۱۸۵۸-۱۹۲۴ م.)^۴ به این نکته اشاره کرده که توراندخت وجود نمادینی در ذهن مردم از حیث زیبایی، مرگ و نفرت است. از سوی دیگر، از حیث پسااستعماری، «شرق خطرناک است، اما در نهایت به دست خارجی‌های توانا فتح خواهد شد. بر اساس این دیدگاه، اپرانویسان اروپایی توراندخت زن شرقی را، خشن و ترسناک نشان می‌دادند» (Sun, 2005: 57)؛ بنابراین، هم از دیدگاه جنسیت و هم از دیدگاه پسااستعماری، ارزیابی این داستان‌ها، افراطی و یک‌طرفه صورت گرفته است. برای ارزیابی کامل مفهوم ایدئولوژیک این مجموعه داستان‌ها، باید از ریشه فارسی آن شروع کنیم.

به‌طور خلاصه، تصویر شاهدخت چینی در ادبیات فارسی از زوایای مختلف بررسی شده است. محققان ادبیات فارسی در چین به کاوش و تفسیر تاریخ و متون ادبی، نقش و مطالب مرتبط با آن در حماسه‌های ایرانی پرداخته‌اند. تحقیق در بخش متن پژوهی تاریخی، دقیق و مفصل است که الهام بیشتری را برای توسعه این موضوع فراهم کرده است. سایر پژوهشگران ادبی فارسی در چین بر کاوش در زمینه گسترش نمایش‌نامه غربی توراندخت در اروپا و تفسیر آن از حیث غرب‌گرایی Western Centralism و مردسالاری منعکس شده در تئاتر متمرکز شدند. پژوهشگران تأیید کرده‌اند که بررسی این نوع داستان‌ها می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌شناختی خاص هر عصر و فرهنگ ملت‌های غربی باشد؛ اما همه آن‌ها مبتنی بر متن‌های تئاتری اروپایی هستند و در متون فارسی قابل تحلیل نیستند. درباره بن‌مایه‌های داستان‌های توراندخت در ادبیات فارسی، اکثر دانشمندان ریشه آن را داستان گنبد سرخ در هفت پیکر نظامی (ر.ک. ۱۳۸۹: ۲۶۸-۲۵۳) می‌دانند؛ ولی نمی‌توانند ارتباط شاهدخت روسی در قلم نظامی را با شاهدخت چینی در داستان‌های توراندخت توضیح بدهند. برای حل کردن این مسئله باید از بن‌مایه فارسی داستان‌های توراندخت شروع کنیم.

۲. روش انجام پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای انسجام بخشیدن به مطالب، نخست نظریات دانشمندان برجسته ادبیات فارسی در چین و اروپا در زمینه داستان‌های شاهدخت چین بیان شده است. سپس با جستجو در منابع به ریشه شاهدخت چین پرداخته شده و در پایان مراحل گسترش این داستان‌ها

را مطرح کرده است؛ بنابراین، مطالعه داستان‌های شاهدخت چینی، به ما کمک می‌کند تا تاریخ مبادلات چشم‌انداز غنی و رنگارنگ ادبی و فرهنگی چین و ایران را از طریق ادبیات فارسی مشاهده کنیم.

۳. تحلیل کمی داده‌ها

۳-۱. ارتباط چین و توران

محققان ارتباط جغرافیایی توران و چین را بررسی کرده‌اند. نام «Turandot» توراندخت که اروپایی‌ها استفاده می‌کنند، از نام «توراندخت» Turandokht فارسی گرفته شده و به معنی دختر تورانی است. از آنجایی که شاعران فارسی‌زبان اغلب «چین» و «توران» را با هم به کار می‌برند. واژه «شاهدخت چینی» و «توراندخت» (به معنای دختر تورانی) اغلب با هم اشتباه گرفته می‌شود. مو هنگ یان (Mu, 2010: 225) خاطرنشان می‌کند: از نظر ایرانیان مرز بین توران و چین مشخص نیست. اصطلاح شاهدخت چینی به احتمال زیاد نژادی ترک از آسیای مرکزی است. «اگرچه چین به توران اشاره دارد، اما توران به طور کلی نمی‌تواند به دشت‌های مرکزی چین اشاره کند» (Mu, 2008: D4)؛ مشاهده می‌شود که ارجاعات بین چین و توران اغلب مبهم هستند. به طور خلاصه، محققین چینی معتقد هستند که توران و چین هر دو مترادف‌هایی برای منطقه وسیع شرق ایران هستند. اعتقاد عمومی بر این است که توراندخت به عنوان نام قهرمان زن داستان‌های شاهدخت چینی برای اولین بار در قلم فرانسوا پتیس دلاکروا (Francois Petis de laCroix (1653-1713) ظاهر شد که شاید به دلیل عادت دیرینه اشتباه گرفتن توران با چین باشد؛ اما آنچه می‌توان اضافه کرد، این است که برخی از محققان اروپایی بر این باورند که در ادبیات فارسی «توراندخت» به عنوان نام دخترانه در ادبیات فارسی یا اسناد تاریخی کمتر دیده می‌شود؛ اما به احتمال زیاد گونه‌ای از «پوراندهخت» Purandot یا «بوراندخت» Burandot است و دلاکروا ممکن است از شاهنامه این نام را گرفته باشد (Orsatti, 2019: 75). فردوسی داستان شاهزاده پوران را در شاهنامه به اختصار شرح داده است؛ شاهزاده پوران از نوادگان سلسله ساسانیان بود. او بسیاری از آثار کلاسیک سلطنتی را خوانده بود. به عنوان ملکه‌ای قدرتمند در تاریخ پارسی، فرمانروایی روشنگری داشت؛ و شخصیتش جسور بود. *رویدادنامه سیرت*، «پوران» را قاتل پیروز فرمانده سپاه ایران خوانده است. پوران از نظر شخصیت، شباهت زیادی به توراندخت دارد.

۳-۲. مسیر گسترش در اروپا

محققان در مورد مسیر گسترش داستان‌های توراندخت از ایران به اروپا تحقیق کرده‌اند. توراندخت تئاتر غربی برگرفته از *هزارویک‌روز دلاکروا*، شرق‌شناس فرانسوی، است؛ و مدعی می‌شود این کتاب از دست-نوشته درویش «مخلص» Dervis Moclés ترجمه شده است. ولی با شرحی که آمد به نظر نگارنده این حدسی است که چندان درست به نظر نمی‌رسد. در واقع اینکه نوشته دلاکروا ترجمه مجموعه به زبان ترکی

عثمانی با نام فرج بعد از شدت *Al-Faraj ba'd al-shidda* باشد، محتمل‌تر است (Marzolph, 2017: ۸۷). مجموعه فرج بعد از شدت نیز با اثر دیگری به همین نام، که المحسن التوخی (درگذشته ۳۸۴ ق.) به زبان عربی نگاشته است، فرق دارد. درحالی‌که داستان عامیانه ترکی به نام فرج بعد از شدت از داستان فارسی ترجمه شده بود و متأسفانه اصل متن فارسی در دست نیست. «روایت مکتوبی از داستان‌های فارسی با پیشینه‌ای کهنه‌تر از دست‌نوشته‌های فرج بعد از شدت بایستی وجود می‌داشته که احتمالاً از بین رفته است» (Marzolph, 2017: 27).

لوآتیان (Luo, 2006: 156-167)، پژوهشگر ادبی فرانسوی، ضمن بررسی ادبیات فرانسه، معتقد است که مسیر انتقال توراندخت به اروپا ترکیه-فرانسه-آلمان است. یو یوسن (Yu, 2015: 102) مسیر انتقال داستان‌های شاه‌دخت چینی را به دقت بررسی کرده و معتقد است که حداقل سه مسیر برای انتقال این داستان وجود دارد: اول، به صورت مستقیم از سرزمین پارس به اروپا، که همانا ترجمه فارسی به فرانسوی توسط دلاکروا می‌باشد. دوم، انتقال غیرمستقیم، یعنی استفاده از ادبیات مناطق اطراف ایران مانند هند به عنوان رسانه واسطه. سوم، انتقال زمانی: بدین صورت که قلعۀ ذات‌الصور در مثنوی معنوی مولوی (مولانا جلال الدین محمد بلخی، ۱۲۰۳-۱۲۰۷ م.) مستقیماً الهام‌بخش نگارش ادبیات اروپایی در قرن هفدهم شده باشند. تحقیقات آن‌ها مطالب غنی را برای تحقیق متنی فراهم کرد و اشاره کرد که توراندخت در داستان‌های فرانسوی هزارویک‌روز^۵ اروپا احتمالاً شکل متأخر این داستان‌ها است. مطالعه برگرفته از مطالب تاریخی ایشان، تفکر ادبی سنتی را گسترش می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند: داستان‌های شاه‌دخت چینی داستان‌های آسیایی یا اروپایی است که خاستگاه دقیق آن مشخص نیست. پیچیدگی گسترش شاه‌دخت چینی در ویژگی‌های چندوجهی و چندبعدی آن نهفته است؛ و تلاش برای ریشه‌یابی در این بازه زمانی و مکانی وسیع و گسترده، نامیدکننده و چالش‌برانگیز خواهد بود (Yu, 2015: 113)؛ ولی همه بر این باورند که خاستگاه توراندخت در ایران است.

۳-۳. بن‌مایه در ایران

محققان متن اصلی داستان‌های توراندخت را در ایران جستجو کرده‌اند. درمورد اصل داستان، مقاله چلوکوسکی (۱۳۷۰: ۷۲۱) با عنوان «آیا اپرای توراندخت پوچینی بر اساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی است؟» چندین منبع احتمالی داستان‌ها را به تفصیل مورد بحث قرار داده و معتقد است که اگرچه این نقش به‌طور گسترده در ادبیات فارسی وجود دارد، هفت پیکر نظامی زودتر (مقدم) از داستان‌های دیگر نوشته شده است. این داستان مربوط به بهرام گور، پادشاه ایران، است که در خواب هفت زیبارو را دید و هفت گنبد مختلف را سفارش داد تا هر روز وارد گنبدی شود و به سخنان زنی زیبا گوش دهد. بهرام در گنبد سرخ در روز سه‌شنبه داستان دختر روسی را شنید. هفت پیکر چهارمین منظومه از خمسه نظامی

است. به دلیل ساختار خاص خمسه مورد تقلید شاعران غرب و آسیای مرکزی قرار گرفته است و به یک پدیده ادبی خاص تبدیل شده و به طور گسترده منتشر شده است. از آثار معروف برگرفته از هفت پیکر، می توان به هشت بهشت (۱۳۰۲ م.) نوشته امیر خسرو دهلوی (۱۳۲۵-۱۲۵۳ م.)^۶ شاعر پارسی گوی هندی اشاره کرد. با اینکه داستان گنبد سرخ داستان شاهدخت روسی را روایت کرده است، چارچوب داستان توراندخت را دارد؛ بنابراین داستان گنبد سرخ با داستان توراندخت همسانی دارد؛ بیشتر محققان چینی و اروپایی معتقد به این نظر هستند؛ اما وانگ یدان (Wang, 2021: 294) اشاره کرد که شعر روایی هفت پیکر نظامی همچین بر مبنای ادبیات عامیانه است؛ بنابراین بهتر است بگوییم اصل داستان های توراندخت برگرفته از ادبیات عامیانه فارسی است. علاوه بر این، محققان چینی نیز داستان های عامیانه مرتبط را در فرآیند ترجمه کشف کرده اند. مو هونگیان (Mu, 2020: 228) معتقد است که اصل داستان های توراندخت لزوماً داستان گنبد سرخ در هفت پیکر نیست. داستان توراندخت را می توان در ادبیات عامیانه فارسی یافت. حتی شعر هفت پیکر نظامی هم احتمالاً بر اساس داستان های عامیانه فارسی است. به عنوان مثال، داستان های عامیانه شاهزاده ابراهیم و فتنه خون ریز، دختر شهر چین، روایت گرگان و خورشید شاه و شاهدخت چینی مه پری، چنین داستان هایی را بیان کرده اند. شاعر بزرگ ایرانی مولوی هم در مثنوی معنوی دفتر ششم (بخش ۱۰۷) با عنوان «دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات الصور نقش روی دختر شاه چین را و بی هوش شدن هر سه و در فتنه افتادن و تفحص کردن کی این صورت کیست» هم این را نوشت (مولوی، ۱۳۸۴: ۱۱۱۵-۱۷۵)؛ بنابراین اصل داستان های توراندخت در واقع بیش از یک مورد است.

یوسف مقتدر Youssef Mogtader و گرگور شولر Gregor Schoeler (Youssef & Schoeler, 2017) از محققان اروپایی خاطرنشان کردند: اصل توراندخت را می توان در دو داستان عامیانه فارسی یافت و این دو داستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند: حکایت معماهای دختر قیصر روم سدیدالدین محمد عوفی (۱۲۳۲-۱۱۷۰ م.) و حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن، که نویسنده آن نامشخص است (بی نام). عوفی، مکان داستان را در روم قرار داد برای انتقاد از حکومت وحشیانه امپراتوری روم ظالم. حکایت معماهای دختر قیصر روم از جزء اول از قسمت سوم جوامع الحکایات و لوازم الروایات عوفی با قصه نشستن بهرام روز سه شنبه در گنبد سرخ و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم چهارم در هفت پیکر نظامی همسانی دارد. هنگامی که شاهدخت در حال انتخاب داماد بود، از هر خواستگار ده سؤال می پرسد. خواستگاران باید به ده سؤال پاسخ دهند وگرنه کشته می شوند و سرهایشان را از دیوار شهر آویزان می کنند. بعد از کشته شدن ۴۲ خواستگار، یک جوان باهوش معمای او را با موفقیت حل کرد. داستان حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن از مؤلفی گمنام، از نسخه خطی بودلیانا اوزلی Bodleiana Ouseley گرفته شده است. اصغر گوهراب (Seyed-Gohrab: 2019) از دانشگاه لیدن این تحقیق را با عنوان «ریشه های ایرانی توراندخت»

تکمیل کرد و معتقد بود که داستان حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن بر اساس داستان عوفی نوشته شده است؛ درحالی که داستان توراندخت عوفی در روم اتفاق افتاده است ولی داستان حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن، در چین وقوع یافته است؛ زیرا در داستان‌های ادبی فارسی، چین سرزمینی سرشار از زیبایی‌ها است. این نوع داستان‌ها نه تنها در خاورمیانه محبوب است، بلکه معمولاً در افسانه‌های عامیانه اروپایی نیز دیده می‌شود. بر اساس طبقه‌بندی داستان‌های عامیانه تامپسون Stith Thompson، می‌توان آن را به‌عنوان AT کد ۷۸۵۱ «شاهدختی که نمی‌تواند معما را حل کند» و کد ۷۲۵ «انجام دادن وظایف مشکل برای رسیدن به وصال دختر شاه» طبقه‌بندی کرد (Thompson, 1991 Marzolph, 2017: 148; 566). دست-نوشت‌های مشابه بسیاری از این سری از داستان‌های عامیانه در ادبیات عامیانه اروپایی هم وجود دارد. به‌طور کلی، حداقل سه منبع احتمالی برای داستان‌های توراندخت در ادبیات عامیانه فارسی وجود دارد: داستان شاهزاده روسی که شاهدخت گنبد سرخ در شعر روایی هفت پیکر نظامی روایت شده است، داستان انتخاب داماد شاهدخت رومی از مجموعه داستان عوفی و درنهایت داستان حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن موجود در مجموعه داستان‌های بی‌نام.

۴-۳. مسیر گسترش در ایران

متن اصلی داستان فارسی توراندخت را نمی‌توان به‌طور دقیق مشخص کرد؛ اما باتوجه به آخرین نتایج تحقیقات، حداقل می‌توان باور داشت که بن‌مایه داستان‌های توراندخت فقط هفت پیکر نیست. باتوجه به اطلاعات موجود، می‌توان حدس زد که ابتدا چهارچوب «پیروشدن مرد بر زن شکست‌ناپذیر» در ادبیات عامیانه فارسی ظاهر و مسیر احتمالی گسترشش به دو قسمت تقسیم می‌شود (به روند انتشار احتمالی این داستان‌ها در نمودار ۱ اشاره شده است):

۱. داستان شاهدخت روس در قرن ۱۲ میلادی یا زودتر ظاهر شد. بعد مسیر احتمالی گسترشش به دو شاخه تقسیم می‌شود.

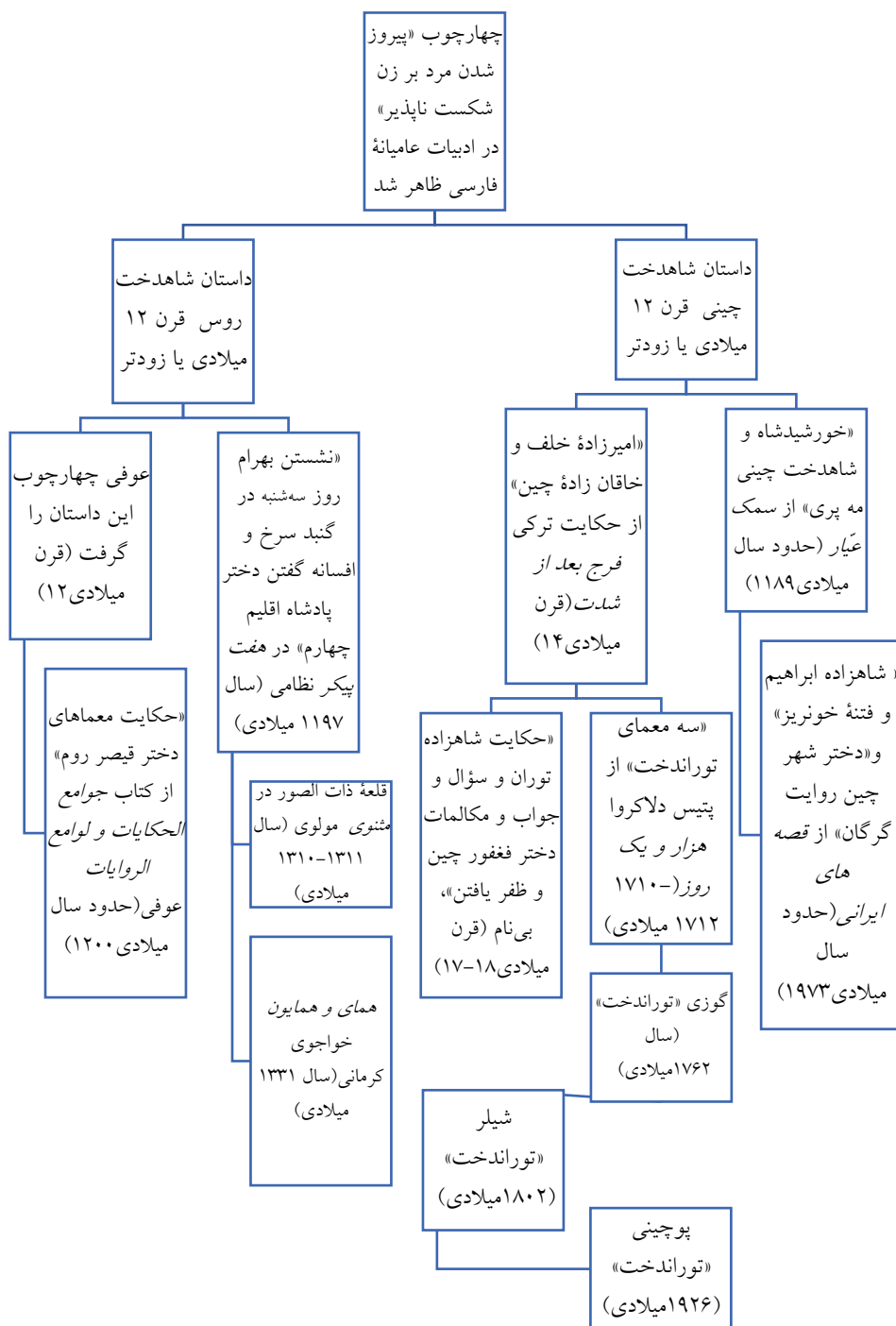
الف) نظامی از این چهارچوب استفاده کرد؛ این بن‌مایه در داستان قلعه ذات‌الصور در مثنوی معنوی مولوی و همای و همایون هم تکرار شده است.

ب) نمونه اول داستان عوفی (یعنی عوفی از آن استفاده کرد که متن مشخصی از آن در دست نیست) هم ظاهر شد و عوفی چارچوب خود را از یک داستان نامشخص گرفت و حکایت معماهای دختر قیصر روم را نوشت؛

۲. داستان شاهدخت چینی که در قرن ۱۲ میلادی یا زودتر پدیدار گشته، مسیر احتمالی گسترش آن می‌تواند یکی از دو مورد زیر باشد:

الف) داستان خورشیدشاه و شاهدخت چینی مه‌پری در مجموعه داستان عامیانه سمک عیار از چهارچوب داستان شاهدخت چینی استفاده شده است. داستان‌های عامیانه مثل شاهزاده ابراهیم و فتنه خون‌ریز و دختر شهر چین روایت گرگان که امروزه هم رایج است با داستان خورشیدشاه و شاهدخت چینی مه‌پری همسانی دارند.

ب) یک مجموعه داستان فارسی^۸ که داستان شاهدخت چینی را در خود داشته، به وجود آمده بود و به دنبال آن، مجموعه داستان فرج بعد از شدت چارچوب داستان‌های شاهدخت چینی را از مجموعه فارسی گرفته و داستان امیرزاده خلف و خاقان‌زاده چین شکل گرفته است. سرانجام دلاکروا از امیرزاده خلف و خاقان‌زاده چین ترکی را به صورت سه معمای توراندخت در هزارویک‌روز اقتباس کرده است؛ سپس چارچوب داستان‌ها از طرف کارلو گوزی (۱۷۲۰-۱۸۰۶) Carlo Gozzi (1720- 1806)، کامیونت ایسوزو شیلر، جاکومو پوچینی و دیگران اتخاذ شد. در ضمن داستان‌هایی بی‌نام هم در ادبیات عامیانه فارسی وجود دارد مثل حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن، که با امیرزاده خلف و خاقان‌زاده چین از فرج بعد از شدت همسانی دارد.



۳-۵. انواع بن مایه داستان های توراندخت

ریشه توراندخت فقط یک جا نیست. بلکه می توان در ادبیات عامیانه و صوفیانه ایران به چند داستان اشاره کرد که در این باره از ادبیات عامیانه و صوفیانه ایران، می توان به سه نوع متن اشاره کرد: داستان های ماجراجویانه، داستان های معمایی و داستان های فلسفی.

۳-۵-۱. داستان های ماجراجویانه

نوع اول متون بیشتر به صورت ماجراجویانه عامیانه است که به آن داستان های ماجراجویانه-عامیانه نیز می گویند. خورشیدشاه و شاهدخت چینی مه پری ماجرای ازدواج یک شاهزاده با یک شاهدخت چینی را روایت می کند. خورشیدشاه و برادر و سمک عیار همکاری کردند و سرانجام مشکلات را حل کردند، جادوگر را کشتند و با شاهدخت به حلب بازگشتند (الارجانی، ۱۳۹۶: ج ۱/۱). داستان عامیانه امروزی دختر شهر چین روایت گرگان داستان بزرگ شدن پسر یک شکارچی را روایت می کند. او تحت راهنمایی پیرمردی با هاله ای بر سر، اعتماد شاهزاده را با یک سری اقدامات جلب کرد. به او دستور داده شد که شاهدخت چینی را به ایران بیاورد تا با شاهزاده ازدواج کند. او با کمک یک پیرزن مهربان یک سری کارها را انجام داد: به صورت پی در پی پنج مشکل فغفور چین را حل کرد (کشتن حیوان های محلی، جدا کردن گندم، ارزن و جو در یک شب، خوردن فرنی که با ۱۰۰ من برنج و ۱۰۰ من نخود درست شده بود، به هرات رفت تا نامه را دریافت کند و قصر شاهدخت را با شمشیر خراب کرد) و شاهدخت را با موفقیت برد و شاهزاده به خواسته شاهدخت عمل کرد و شاهدخت را به عقد پسر شکارچی در آورد. این داستان حاوی این مطلب است که فقط کسانی که سخت کوش، شجاع و عاقل باشند پاداش می گیرند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ج ۱/ ۲۶۰). داستان دیگری شاهزاده ابراهیم و فتنه خون ریز داستان ازدواج شاهزاده ابراهیم و شاهدخت چینی را روایت می کند. پس از دیدن نقاشی یک شاهدخت چینی در دستان یک پیرمرد، تصمیم گرفت به تعقیب شاهدخت چینی برود. او بر مشکلات زیادی غلبه کرد و تحت راهنمایی یک پیرزن حمام ساخت و در نهایت شاهدخت عاشقش شد. (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ج ۱/۱)

۳-۵-۲. داستان های معمایی

پس زمینه متن های نوع دوم بیشتر معمایی است. طبق طبقه بندی ما این داستان ها را می توان داستان های معمایی نیز نامید. در اینجا، متن خلاصه ای از حکایت شاهزاده توران و سؤال و جواب و مکالمات دختر فغفور چین و ظفر یافتن که نویسنده آن مشخص نیست ترجمه و تفسیر شده توسط مقتدر (۲۰۱۷: ۲۱-۵۷) (Mogtader, et al) را به عنوان مثال بیان می کنیم. محل وقوع داستان چین است و نام قهرمان داستان مشخص نیست. شاهزاده پسر پادشاه توران است. پادشاه ثروتمندی بود. روزی قدرت کشورش ضعیف

شده و مجبور شد به اسارت کشورهای دیگر دربیاید. کل خانواده‌اش در راه توسط دزدان دزدیده شدند. شاهزاده توصیه والدینش را پذیرفت و والدین خود را به‌عنوان برده و خدمتکار فروخت. او قول داد که پس از کسب درآمد والدین خود را بازخرید کند. با یک غریبه قرار گذاشت نامه‌ای را به یک نفر تحویل بدهد تا درآمد به‌دست بیاورد، اما غریبه‌ها او را فریفتند. شاهزاده در جاده با طوفانی روبه‌رو شد و هنگامی که نامه خیس شد، شاهزاده نامه‌ها را باز کرد و فهمید که غریبه می‌خواهد او را بکشد. خوشبختانه کاروانی به او کمک کرد و او به‌دنبال کاروان به چین رفت و شنید که شاهدخت چینی دارد داماد انتخاب می‌کند. شاهدخت از خواستگار خواست که به همه معماها پاسخ صحیح بدهد، در غیر این صورت خواستگار کشته می‌شود. پس از اینکه چهره شاهدخت را دید بلافاصله عاشق او شد. علی‌رغم تلاش همه برای جلوگیری از او، در این آزمون شرکت کرد. او چهار روز امتحان داد و معماهای عجیب و غریبی را به‌راحتی حل کرد. شاهزاده توران سؤالی مطرح کرد و از شاهدخت خواست پاسخ دهد. اگر شاهدخت جواب می‌داد، می‌توانست از ازدواج امتناع کند. در آن شب، شاهدخت و خدمتکار یواشکی وارد اقامتگاه شاهزاده شدند، شاهزاده را مست کردند و او را فریب دادند تا شاهزاده جواب معمایش را بگوید. شاهزاده پاسخ را گفت ولی شاهدخت را گاز گرفت. روز بعد، با اینکه شاهدخت جواب را داشت، می‌ترسید که زخم علنی شود؛ بنابراین با شاهزاده توران موافقت کرد. این دو پس از ازدواج زندگی شادی را پشت سر گذاشتند، دو فرزند را با هم بزرگ کردند و شاهزاده توران هم توانست دوباره با پدر و مادرش دور هم جمع شود.

۳-۵-۳. داستان‌های فلسفی

در میان داستان‌های شاهزاده چینی ایرانی، نوعی از داستان‌های فلسفی نیز وجود دارد که از منظر ژانر، شعر روایی ادبی نامیده می‌شوند و طرح داستان‌های عامیانه را برای بیان فلسفه تصوف اتخاذ می‌کند. داستان گنبد سرخ در هفت پیکر، یک نمونه مهم از داستان‌های فلسفی است. شاهدخت سقلاپی^۹ در گنبد سرخ چنین داستانی را برای پادشاه تعریف کرد: یک شاهدخت زیبای روسی دیوار بلند شهر را ساخت و نقاشی چهره خود را بیرون از دیوار شهر آویخت. هرکس بتواند از دروازه‌ها عبور کند و بتواند معماهای او را به‌درستی حل کند، می‌تواند با او ازدواج کند. با کمک مردی خردمند، مرد جوانی با لباس قرمز از دروازه شهر با طلسم عبور می‌کند و معمای شاهدخت را حل می‌کند. شاهدخت با خوشحالی خواستگاری مرد جوان را می‌پذیرد و آن‌ها ازدواج می‌کنند (نظامی: ۱۳۷۳، ۶۵). در هفت پیکر شاه بهرام درحالی که به داستان‌های شاهدخت‌ها یکی پس از دیگری گوش می‌دهد، تبدیل به آدم پخته‌ای می‌شود. داستانی که شاهدخت قلعه سرخ در روز سه‌شنبه برای او تعریف کرد، مفاهیم فلسفی تصوف را زیر ردای یک داستان عاشقانه پنهان می‌کند.

روایات مشابه از قلم سایر شاعران صوفی برخاسته است. برای مثال، داستان دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات‌الصور نقش روی دختر شاه چین را و بی‌هوش شدن هر سه و در فتنه افتادن و تفحص کردن کی این صورت کیست در دفتر ششم (بخش ۱۰۷) مثنوی معنوی مولوی را خلاصه کنیم. سه شاهزاده برای یافتن شاهدخت چینی از میان کوه‌ها و رودخانه‌ها به چین سفر کردند که شاهزاده جان سالم به در برد. نمونه دیگر شاعر صوفی خواجوی کرمانی (۱۳۵۲-۱۲۹۰ م.) است که در همای و همایون، شاهزاده شامی، همای، تاج و تخت را رها کرد و برای یافتن شاهدخت چینی همایون به راه افتاد (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۰۹؛ Khanlari, 2007: 220). در این نوع اشعار ادبی صوفیانه، می‌بینیم که شاهدخت‌ها اغلب بی‌رحم هستند. شاهدخت چینی شاهزاده را راهنمایی می‌کند تا او خودش را بشناسد و آزادی واقعی را به دست آورد. این نوع شعر صوفیانه را می‌توان داستان‌های فلسفی دانست.

چنین داستان‌ها از نگاه عارفان روایتی «شاعرانه از قصه آفرینش است که ماجراهای آن از پرده‌ی زمان و مکان بیرون و جاودانه در حال روی دادن است. شاهزاده، تجلی جمال خداوند است چنان که مولانا در داستان دژ هوش‌ریا در مثنوی معنوی، دختر پادشاه چین را تجلی جمال الهی تعبیر کرده است» (اکبری، ۱۳۸۶: ۳۵)

از طریق طبقه‌بندی بن‌مایه داستان‌های شاهدخت چینی در ادبیات فارسی، می‌توان دریافت که داستان‌های ماجراجویانه، معمایی و فلسفی همگی بن‌مایه‌های همسانی دارند.

نتیجه‌گیری

داستان‌های شاهدخت چینی و داستان‌های توراندخت از ادبیات عامیانه فارسی سرچشمه گرفته است و مسیر گسترش آن پیچیده است. بن‌مایه‌های فارسی توراندخت می‌توان به داستان شاهدخت رومی جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی، داستان شاهدخت روسی از هفت پیکر نظامی، داستان خورشیدشاه و شاهدخت چینی مه‌پری در سمک عیار اشاره کرد. از این رو با توجه به دیدگاه‌های فوق می‌توان چنین دانست که این‌گونه داستان‌ها در میان ایرانیان رواج زیادی داشته است. چه شاعران مانند نظامی و چه گردآورندگان داستان‌های عامیانه مانند محمد عوفی از این شخصیت الهام گرفته‌اند. می‌توان بن‌مایه‌های داستان‌های توراندخت ایرانی را ذیل داستان‌های ماجراجویانه، معمایی و فلسفی طبقه‌بندی کرد. این داستان‌ها قرن‌ها از ایران به ترکیه و سرزمین‌های اروپایی سفر کرده و چندین بار تحریف شده تا سه معمایی توراندخت در کتاب فرانسوی هنر/ویک‌روز دلاکروا را شکل دهد.

پی‌نوشت

۱ پسران در آغاز مادرشان را موضوع عشق می‌دانند؛ ولی کم‌کم، پی می‌برند که او مسئله عشق پدرشان هم هست؛ به این ترتیب، پدر در تصاحب مادر، به رقیب پسر، بدل می‌شود و پسر ترس دارد که پدر، قضیب وی را قطع کند. پس، پسر با چشم‌پوشی از مادر به عنوان مسئله عشق و همانندسازی خود با پدر، از این تنگنا می‌رهاند. وی به جبران چشم‌پوشی از مادر، در آینده، قادر خواهد بود که زنان دیگر را در مقام موضوع عشق برگزیند و برای دختر هم همین‌طور است. دختر به جبران چشم‌پوشی از پدر، در آینده، قادر خواهد بود که مردان دیگر را در مقام موضوع عشق برگزیند (Jung, 1969:85).

²Johann Christoph Friedrich von Schiller (1759-1805)

³Johann Wolfgang von Goethe (1749-1832)

⁴Giacomo Antonio Domenico Michele Secondo Maria Puccini (1858-1924)

۵ ر. ک. Pétis de La Croix, (2000), *Histoire du prince Calaf et de la Princesse de la Chine*, conte des Mille et un Jours, texte établi avec introduction et un dossier par Paul Sebag, Paris, L'Harmattan,

۶ ر. ک. Amir Khosrow Dehlavi. (1972) *Hasht Behesht*, Edition: Jafar Eftekhari, Moscow.

۷ فهرست جهانی طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه آرئه-تامسون: در فهرست آرئه-تامسون تمام قصه‌ها ذیل دسته‌های زیر طبقه‌بندی شده‌اند و برای هر نوع قصه، شماره‌ای در نظر گرفته شده است. این دسته‌بندی به این شرح است: قصه‌های حیوانات، قصه‌هایی به معنای اخص (شامل چهار گروه: قصه‌های جادویی، قصه‌های مذهبی، قصه‌های عاشقانه، قصه‌های دیو ابله)، قصه‌های شوخی و قصه‌های زنجیره‌ای (Goldberg, 2015:5).

۸ احتمالاً به نام *مونس‌نامه* باشد ولی متأسفانه متن اصلی داستان شاهدخت چینی آن اکنون در دست نیست (ر. ک. ابوبکر بن خسرو الاستاد، ۱۴۰۰: ۱۹).

۹ با اینکه این شعر، داستان شاهدخت روسی را بیان می‌کند، خانمی که داستان می‌گوید، شاهزاده سقلابی است.

تشکر و قدردانی

پروژه علوم انسانی استان گوانگدونگ، چین: شاهدخت چین در ایران از نظر داستان خود

(GD22XWW03)

Humanities Project of Guangdong Province, China: A study on the self-allegory of the Persian "Chinese Princess" story (GD22XWW03)

یادداشتها

منابع

- ابوبکر بن خسرو الاستاد (۱۴۰۰). *مونس نامه*. مصحح: نسرين عسکری. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار با همکاری سخن.
- اکبری، مهناز (۱۳۸۶). *دژ هوش ربا؛ بررسی و تحلیل آخرین داستان مثنوی معنوی*. تهران: لوح زرین.
- الارجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب (۱۳۹۶). *سمک عیار*. تصحیح: دکتر پرویز ناتل خانلری. مجلد ۱، چاپ نهم. تهران: آگاه.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۵۲). *قصه های ایرانی*، مجلد ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- چلکوسکی، پیتر (۱۳۷۰). «آیا برای توراندخت پوچینی بر اساس کوشک سرخ هفت پیکر نظامی است؟»، *ایران شناسی*. سال ۴. شماره ۳. صص: ۷۱۴-۷۲۲.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۷). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح: بانو مصفا کریمی. قسمت اول، جزء دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کرمانی، خواجو (۱۳۷۰). *همای و همایون*؛ تصحیح: کمال عینی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۴). *مثنوی معنوی*؛ نسخه هشتم. تهران: پژوهش.
- نظامی گنجوی (۱۳۷۳). *هفت پیکر*؛ تصحیح: برات زنجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منابع خارجی

- Balkin, Jack. M. (1990). "Turandot's victory". *Yale JL & Human*, Vol.2(02).pp.299-341.
- Goldberg, Christine. (2015). *Turandot's sisters: A Study of the Folktale AT 851*. London & New York: Routledge Library Editions: Folklore.
- Jung, Carl Gustav. (1969). *The Archetype and the Collective Unconscious*. Princeton: Princeton University Press.
- Khanlari, Zahra. (2007). *Persian Tales*. Translated by Zhang Hongnian. Yinchuan: Ningxia People's Publishing House.

- Ling, Jian'e. (2005). "Dulanduo and Turandot: a resistant reading". *Hundred Arts*, (03), pp.44-47.
- Liu, Mi. (2007). *The Evolution of the Text of Turandot and Its Cultural Roots*. Zhejiang University.
- Luo, Tian. (2006). "The French origins of Turandot". *Chinese Comparative Literature*, (04), pp.156-167.
- Marzolph, Ulrich. (2017). *Relief After Hardship: The Ottoman Turkish Model for The Thousand and One Days*. Michigan: Wayne State University Press Detroit.
- Mu, Hongyan. (2010). "Revisiting Turandot's Chinese Identity--Discussing with Mr. Tan Yuan". *Foreign Literature Review*, (02), pp. 225-229.
- Mu, Hongyan. (2008). "Turandot is a Chinese princess?". *Overseas Chinese Newspaper*. 3.8, D4.
- Orsatti, Paola. (2019). *Materials for a History of the Persian Narrative Tradition. Two Characters: Farhad and Turandot*. Venezia: Edizioni Ca' Foscari- digital publishing.
- Pétis de La Croix. (1981) *One Thousand and One Days*. Translated by Du Jian. Shenyang: Liaoning People's Publishing House.
- Seyed-Gohrab, Asghar (2019-11-29). "Persian roots of Puccini's opera Turandot". <https://leidenmedievalistsblog.nl/articles/persian-roots-of-puccinis-opera-turandot>.
- Sun, Huizhu. (2005). "Turandot and the East-West Gender Debate". *Journal of Nanjing Arts Institute*, (02), pp.57-62.
- Thompson, Stith. (1991). *A Taxonomy of World Folktales*. Translated by Zheng Hai et al. Shanghai: Shanghai Literature and Art Publishing House.
- Wang, Yidan. (2021). "Images of Chinese Princesses in Persian Classical Literature: From Chinese Princesses in The Samak Ayar". Edited by the Institute of Iranian Culture, Peking University. *Iranology in China (Fourth Series)*. Shanghai: Chinese and Western Books, pp.283-299.
- Mogtader, Youssef & Schoeler, Gregor. (2017). *Turandot. Die persische Märchenerzählung. Edition, Übersetzung, Kommentar*. Wiesbaden: Reichert Verlag. persian text, pp.21-57.
- Yu, Yusen, and Fadaeusketi, Faryanne. (2015). "From Persia to Europe: Another dimension of the spread of the Chinese Princess story" ,in: Mu Hongyan, ed. *Oriental Series*. Zhengzhou: Henan University Press, pp.102-114.
- Zhang, Jingyan. (2002). " A Comparison of the Unconscious Structure of Durandot and Turandot". *Journal of Sichuan University*, (05), pp.55-60.

References

- Al-Arjani, Faramarz bin Khodadad bin Abdullah Al-Katib. (2016). Samak Ayyar. Edited by Dr. Parviz Natal Khanleri. Volume 1, 9th edition. Tehran: Aghaz.
- Akbari, Mahnaz. (2008). Dej Hosh Raba, Review and Analysis of the last Story of Masnavi Manavi. Tehran: Loh Zarin.
- Abu Bakr bin Khosrow al-Ustad. (1400). Munesnameh. Edited by: Nasreen Askari. Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Foundation in collaboration with Sokhan.
- Chelkoski, Peter. (1998). "Is Puccini's Turandot opera based on the Red Kush of Haft Peykar?" Iranology. Year 4. Number 3, pp: 714-722.
- Anjavi Shirazi, Seyyed Abulqasem. (1352). Iranian stories - Volume 1. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Aafi, Sodiduddin Mohammad. (1387). Societies of anecdotes and narratives. Mrs. Musfa Karimi. The first part of the second part of Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Khaju Kermani. (1370) Homai and Hodayun. Edited by Kamal Eini. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Mawlawi, Jalal al-Din Muhammad.(1384) Masnavi Ma'nawi.8th edition. Tehran: Pajouhesh.
- Ganjavi, Nizami. (1373) Seven figures. Edited by Barat Zanjani. Tehran: Tehran University Press.
- Balkin, Jack M. (1990)."Turandot's victory". Yale JL & Human ,Vol.2(02).pp.299-341.
- Seyed-Gohrab, Asghar (2019-11-29). "Persian roots of Puccini's opera Turandot". <https://leidenmedievalistsblog.nl/articles/persian-roots-of-puccinis-opera-turandot>.
- Goldberg, Christine. (2015). Turandot's sisters: A Study of the Folktale AT 851.London&Newyork: Routledge Library Editions: Folklore.
- Khanlari, Zahra. (2007). Persian Tales. Translated by Zhang Hongnian. Yinchuan: Ningxia People's Publishing House.
- Jung, Carl Gustav. (1969). The Archetype and the Collective Unconscious. Princeton: Princeton University Press.
- Ling, Jian'e. (2005). "Dulanduo and Turandot: a resistant reading". Hundred Arts, (03), pp.44-47.
- Liu, Mi. (2007). The Evolution of the Text of Turandot and Its Cultural Roots. Zhejiang University.
- Luo, Tian. (2006). "The French origins of Turandot". Chinese Comparative Literature, (04), pp.156-167 .
- Marzolph, Ulrich. (2017).Relief After Hardship: The Ottoman Turkish Model for The Thousand and One Days. Michigan: Wayne State University Press Detroit.

- Mu, Hongyan. (2010). "Revisiting Turandot's Chinese Identity--Discussing with Mr. Tan Yuan". *Foreign Literature Review*, (02), pp. 225-229.
- Mu, Hongyan. (2008). "Turandot is a Chinese princess?". *Overseas Chinese Newspaper*. 3.8, D4 .
- Orsatti, Paola. (2019). *Materials for a History of the Persian Narrative Tradition. Two Characters: Farhad and Turandot*. Venezia: Edizioni Ca' Foscari- digital publishing.
- Sun, Huizhu. (2005). "Turandot and the East-West Gender Debate". *Journal of Nanjing Arts Institute*, (02), pp.57-62.
- Pétis de La Croix.(1981) *One Thousand and One Days*. Translated by Du Jian.Shenyang: Liaoning People's Publishing House.
- Thompson, Stith. (1991). *A Taxonomy of World Folktales*. Translated by Zheng Hai et al. Shanghai: Shanghai Literature and Art Publishing House.
- Wang, Yidan. (2021). "Images of Chinese Princesses in Persian Classical Literature: From Chinese Princesses in The Samak Ayar". Edited by the Institute of Iranian Culture, Peking University. *Iranology in China (Fourth Series)*. Shanghai: Chinese and Western Books, pp.283-299.
- Mogtader, Youssef and Schoeler, Gregor. (2017). *Turandot. Die persische Märchenerzählung. Edition, Übersetzung, Kommentar*. Wiesbaden: Reichert Verlag. persian text, pp.21-57.
- Yu, Yusen, and Fadaeiusketi, Faryanne. (2015). "From Persia to Europe: Another dimension of the spread of the Chinese Princess story", in: Mu Hongyan, ed. *Oriental Series*. Zhengzhou: Henan University Press, pp.102-114.
- Zhang, Jingyan. (2002). " A Comparison of the Unconscious Structure of Durandot and Turandot". *Journal of Sichuan University*, (05), pp.55-60.